

## ظرفیت بیش از 38 میلیونی آذربایجان

أ. (آیهان) مهدیلو

بخش زیر "صص 42-45 کتاب کشاورزی (زراعت) آذربایجان، بخش اول، أ. (آیهان) مهدیلو" می‌باشد که بیانگر تقریبی و کلی از وضعیت فعلی اقتصاد آذربایجان با وضعیتی است که بدون هزینه‌های آنچنانی می‌تواند بدانجا برسد. قبل از مطالعه متن:

1. برای مطالعه دقیق متن می‌توانید به کتاب اصلی مراجعه کنید
2. آذربایجان جنوبی محدوده‌ای است که تقریباً بین 12 استان تقسیم شده است. برای سهولت مطالعه 6 استان آشرقی، غربی، زنگان، اردبیل، همدان و قزوین را آذربایجان می‌شماریم که اگر بخش‌های غیر آذربایجانی این استان‌ها کم و بخش‌های آذربایجانی استان‌های مجاور را بدان بیافزاییم، تقریباً هم مساحت آذربایجان جنوبی می‌شود.
3. متن زیر بدون هیچ تغییری از کتاب کپی شده است که ممکن است برخی نقاط آن گنگ به نظر آید که برای رفع این مشکل می‌توانید به کتاب اصلی مراجعه کنید.
4. آمارهای کشاورزی مربوط به سال زراعی 88-1387 می‌باشد

### پتانسیل کشاورزی آذربایجان بی‌نظیر است (بدون اراضی باغی)

أ. (آیهان) مهدیلو

با توجه به آمارهای تولیدات دیم و آبی آذربایجان جنوبی مشاهده کردید که میزان عملکرد در اراضی آبی آذربایجان تقریباً 9.83 تن در هکتار و عملکرد اراضی دیم آذربایجان تقریباً 0.97 تن در هکتار می‌باشد. حال با مقایسه عملکرد تولیدات دیم و آبی آذربایجان اهمیت وجود کشاورزی آبی نسبت به دیم مشخص می‌باشد، که عملکرد تولید آبی تقریباً 10.13 برابر عملکرد تولید دیمی می‌باشد.

ولی همانطور که در بخش‌های قبل بدان اشاره‌ی کامل کردیم، اندازه اراضی کشاورزی آذربایجان 3 636 275 هکتار می‌باشد که از این مقدار اراضی آبی 1 357 966 هکتار و اراضی دیم 2 278 309 هکتار می‌باشند. بدین صورت اندازه اراضی دیم آذربایجان بیشتر از اراضی آبی آن می‌باشد. همان‌طور که مستاحضر هستید منطقه آذربایجان از نظر بارش تا حدودی در شرایط مناسبی قرار دارد، که با مهار آب‌های فصلی و سیلاب‌های پراکنده در منطقه و ایجاد یک کشاورزی سیستماتیک، بخشی از اراضی دیم آذربایجان پتانسیل تبدیل شدن به اراضی آبی را دارند لذا با افزایش اراضی آبی ما افزایش عملکرد تولید را تقریباً از 0.97 تن در هکتار به 9.8 تن در هکتار را داریم (عملکرد تمامی محصولات مدنظر ماست). یعنی میزان تولیدی کشاورزی آذربایجان توانایی آن را دارد که به صورت نمایی سیر صعودی داشته باشد. که اگر کشاورزی اصولی با روش‌های علمی را هم بدان بیافزاییم (یعنی افزایش عملکرد در هکتار تمامی محصولات) تولید کشاورزی آذربایجان توانایی دو برابر شدن را دارد. برای مثال با رعایت اصول کشاورزی مدرن و تبدیل 800 000 هکتار<sup>1</sup> از اراضی دیم آذربایجان به اراضی آبی، اندازه اراضی آبی از مقدار کنونی تقریباً به 2 158 000 هکتار می‌رسد و با عملکرد 9.8 تن در هکتار (تمامی محصولات مدنظر ماست) فعلی، تولید آبی آذربایجان از 13 348 854 تن به 21 400 148 تن پتانسیل افزایش دارد. همچنین همانطور که در صفحه 34 همین کتاب بررسی شد، اراضی کشاورزی آذربایجان از اندازه فعلی تقریباً به اندازه یک‌پانزدهم (240 000 هکتار) توانایی افزایش دارند، یعنی تقریباً به 3 870 000 هکتار.

با در نظر گرفتن:

1. تبدیل 800 000 هکتار از اراضی دیم به آبی و حتی بیشتر (با آبیاری سیستماتیک و اصولی)
2. پتانسیل افزایش 240 000 هکتار از اراضی دارای پتانسیل کشاورزی به اراضی کشاورزی
3. افزایش عملکرد در هکتار محصولات (با روش‌های اصولی)

<sup>1</sup> - البته این مثال زیاد به دور از واقعیت هم نیست، چون در مناطق فارس نشین ایران با توجه به اینکه آب برای کشاورزی و حتی خوردن هم محدود است، از 2 888 126 هکتار اراضی کل (آبی و دیم)، 2 165 230 هکتار آن آبی می‌باشد. حال آذربایجان که آب فراوان برای کشاورزی دارد نمی‌تواند اندازه اراضی آبی خود را افزایش دهد؟ ما در اینجا تبدیل اراضی دیم به آبی را 800 000 هکتار در نظر گرفتیم که بیشتر از این هم می‌تواند باشد. که فقط و فقط نیازمند آبیاری سیستماتیک است.

یعنی با افزایش 240 000 هکتار اراضی دارای پتانسیل کشاورزی به اراضی کشاورزی، اراضی کشاورزی آذربایجان تقریباً به 3 870 000 هکتار می‌رسد، که این افزایش 240 000 هکتاری بیشتر به صورت دیم است تا آبی. همچنین با تبدیل 800 000 هکتار از اراضی دیم به اراضی آبی اراضی آبی آذربایجان تقریباً به 2 158 000 هکتار می‌رسد که با این حساب اراضی دیم آذربایجان 1 712 000 هکتار می‌شود.

با در نظر گرفتن دو مورد اول از سه مورد بالا، تولید کل کشاورزی آذربایجان جنوبی با شرایط فعلی ( 9.8 تن برای آبی و 0.97 تن برای دیم) از 15 566 377 تن به 22 809 000 تن می‌رسد، و با در نظر گرفتن مورد سوم یعنی افزایش عملکرد در سطح مزرعه که می‌توانیم به صورت زیر در نظر بگیریم:

1. افزایش عملکرد آبی از 9.8 تن در هکتار به 13 تن در هکتار<sup>2</sup>

2. افزایش عملکرد دیم از 0.97 تن در هکتار به 1.4 تن در هکتار

ظرفیت تولید کل آذربایجان از 15 566 377 تن در سال 88 به بیش از 30 000 000 تن ( 28 054 000 تن آبی و 2 396 800 تن دیم) توانایی افزایش دارد. یعنی بیش از دو برابر.

برای مثال: آذربایجان با دارا بودن پتانسیل 3 870 000 هکتار اراضی کشاورزی (دیم و آبی) و با در نظر گرفتن 5 هکتار<sup>3</sup> (با در نظر گرفتن پتانسیل افزایش دو برابری تولیدات کشاورزی، 5 هکتار زمین برای هر خانواده زندگی بسیار نرمالی می‌تواند فراهم کند) زمین کشاورزی برای هر خانواده، تقریباً

2- مثلاً برای گندم میانگین عملکرد گندم آبی در کشور بیش از 3 تن در هکتار و در شرایط دیم بیش از 800 کیلوگرم در هکتار می‌باشد. در حالی که پتانسیل تولید گندم در کشت آبی 10 تن در هکتار و در کشت دیم بیش از 2 تن در هکتار است (بر اساس عملکرد تولید غلات در سال زراعی 72-73 بر اساس آمار وزارت کشاورزی، 82-83 بر اساس گزارش فائو و نمونه‌گیری مرکز آمار ایران در سال 1376). پس برای اقلامی چون گندم پتانسیل عملکرد بیش از 2.5 برابر است. لذا در بررسی‌های ما پتانسیل عملکرد کلی محصولات با 13 تن در هکتار برای کشت آبی و 1.4 تن در هکتار برای کشت دیم فرض می‌شود.

3- البته در برخی جاها ما خانواده‌های 6-7 نفره و خانواده‌های زیادی با زمین کمتر از 5 هکتار داریم. خانواده‌هایی با زمین‌های بیش از 5 هکتار در آذربایجان کم هستند ( بدلیل قانون اصلاحات ارضی که در زمان شاه اجرا شد ).

774 000 خانواده و با فرض 4 نفر برای هر خانواده، بخش کشاورزی (زراعی) آذربایجان می‌تواند به صورت مستقیم معیشت زندگی 3 096 000 نفر را تامین کنند. با احتساب خانم‌ها و برخی افراد خانواده که کار نمی‌کنند، نمی‌توان با قاطعیت اظهار کرد که این تعداد مستقیماً در بخش کشاورزی آذربایجان کار می‌کنند. لذا با فرض 2 نفر مشغول به کار از هر خانواده در بخش کشاورزی (در برخی خانواده‌ها بیشتر هم هست)، تقریباً برای 1 548 000 نفر فرصت شغلی مستقیم در بخش زراعت آذربایجان وجود دارد. با حساب کارکنان غیر مستقیم بخش کشاورزی (زراعی) مثل حمل و نقل، خدمات، فروش و توزیع و ...، بخش کشاورزی (زراعت) آذربایجان می‌تواند معیشت تقریباً بیش از 3 500 000 نفر را تامین کند.

البته با حساب بخش‌های اشتغال‌زای باغات، شیلات، فروش قارچ و گل و ...، دامداری، دامپروری و گلخانه و ... که در کتب و مقالاتی جداگانه به آنها هم خواهیم پرداخت، بخش کشاورزی (باغ، زراعت، شیلات، گلخانه و دامپروری و ...) آذربایجان تقریباً برای بیش از 4 600 000 میلیون نفر (1 150 000 میلیون خانواده) پتانسل تامین زندگی عالی را دارد. که با تقریب می‌توان تعداد افراد شاغل در بخش کشاورزی آذربایجان را 2 500 000 نفر در نظر می‌گیریم. (مقایسه شود با جمعیت آذربایجان شرقی در سال 1390 با 3 724 620 نفر جمعیت و تعداد خانوار 1 086 083).

برای درک بیشتر موضوع:

در پاییز سال 91 سهم نیروی کار کل ایران به صورت زیر می‌باشد (1):

- (a) سهم اشتغال در بخش کشاورزی «» 18.1% با تعداد 3 858 487 نفر
- (b) سهم اشتغال در بخش صنعت «» 34.8% با تعداد 7 406 574 نفر
- (c) سهم اشتغال در بخش خدمات «» 47.1% با تعداد 10 023 409 نفر

بدین صورت تعداد افراد شاغل در پاییز 91، 21 298 470 نفر می‌باشد که با فرض 76 میلیون (سال 1390- ویکیدیا) نفر جمعیت ایران، تقریباً 54 میلیون نفر از جمعیت ایران جزو نیروی کار ایران حساب نمی‌شوند (یعنی بیشتر خانم‌ها، بیکاران، دانش آموز و دانشجو و ...).

حال شما در نظر بگیرید که با توجه به فرضیات ما در مورد آذربایجان، فقط در بخش کشاورزی آذربایجان فرصت شغلی 2.5 میلیون نفری وجود دارد، یعنی تقریباً برابر 70% جمعیت شاغل در بخش کشاورزی کل ایران (3.8 میلیون) در پاییز 91. یعنی فقط بخش کشاورزی آذربایجان تقریباً توانایی (با فرض 4 نفر در هر خانواده) تامین بیش از 4.8 میلیون نفر جمعیت را دارد. حال اگر بخش‌های اشتغال آفرین صنعتی و خدماتی را هم به بخش کشاورزی آذربایجان بیافزاییم، که با فرض شرایط ایران که تقریباً از جمعیت 76 میلیونی آن فقط 21.2 میلیون نفر (پاییز 91) شاغل می‌باشند (27% کل جمعیت)، تعداد افراد شاغل در بخش صنعت و خدمات آذربایجان را با فرض شرایط فعلی ایران (17.4 میلیون نفر در بخش صنعت و خدمات) 8.5 میلیون نفر در نظر بگیریم (با فرض خدمات دولتی و غیر دولتی)، نیروی کاری آذربایجان تقریباً 11 میلیون نفر می‌شود که با احتساب نیروی غیرکاری آذربایجان (خانم‌ها، بیکاران، دانش آموز و ..)، آذربایجان با 11 میلیون نفر نیروی کاری، تقریباً ظرفیت تامین 38 میلیون نفر (3-4 نفر در هر خانواده) با یک زندگی نرمال و خوب را دارد (مقایسه شود با جمعیت فعلی 6 استان آذربایجانی مورد مطالعه که در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال 1390 تقریباً برابر 12 میلیون نفر بود).

حال همین آذربایجان چنان مورد استعمار قرار گرفته است که توانایی ساپورت همین جمعیت فعلی را هم ندارد (با مهاجرت‌هایی که از منطقه آذربایجان به تهران، قم و اصفهان و ... صورت می‌گیرد این مورد کاملاً آشکار است).

تمامی موارد و بررسی‌های انجام شده در بالا با این فرض و احتمال بیان شده است که در شرایط نرمال جامعه می‌تواند کمتر یا بیشتر از این باشد و هدف مشخص کردن پتانسیل تقریبی آذربایجان است که توسط سیاست‌های مرکزگرایی و اقتصاد توأم با نفت در ایران به تباهی کشیده می‌شود و به بهانه‌های مختلف این ظرفیت‌ها به استعمار برده می‌شوند. لذا تمامی اعداد، جمعیت، محاسبات و بررسی‌های بالا با فرض نبودن سیاست فارس-مرکزگرایی و اقتصاد بدون نفت در آذربایجان و به کارگیری متخصصان با اصول و روش‌های علمی است، که در غیر این صورت همان آتش است و همان کاسه.

نتیجه

آذربایجان با این سرمایه‌های عظیم کشاورزی و غیر کشاورزی (معدن، صنعت، توریسم و ...) می‌تواند خودکفا از اقتصاد وابسته به نفت ایران باشد ( البته در مغان آذربایجان تقریباً ذخایری با 4 میلیارد بشکه نفت پیش‌بینی می‌شود) و در اندک مدتی با مدیریت صحیح در مسیر شکوفایی خود قدم گذارد و در زمره کشورها یا مناطق پیشرفته دنیا درآید.

منابع

(1) نیروی کار پاییز 91

[http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/abstract/1391/ch\\_niru](http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/abstract/1391/ch_niru)

[p91.pdf](#)

<http://amar.org.ir/Default.aspx?tabid=117&agentType=View>

[Search](#)

